

Strategic analysis of position I. R. Iran in the Central Asian region

Seyyed Shahaboddin Hejazi

ABSTRACT

The present study is conducted with the aim of strategic analysis of Iran's position in the Central Asian region. The present research is based on the purpose of the "applied" type and based on the nature of the "descriptive-survey" type, which has a "mixed" approach. The statistical population includes; experts in the region, 32 of whom were identified by "snowball" sampling method and were purposefully selected. In order to collect the information needed to compile the research literature, "library studies" using the "filing" tool and to collect real data, in the qualitative part of the tool "semi-structured interview" and in a small part of the "closed questionnaire" has been used. The interview questions and the questionnaire were confirmed by experts in terms of apparent validity and content, and the reliability coefficient of the questionnaire (Cronbach's alpha) was calculated to be 0.906, which indicates the high reliability of the questionnaire. The retest reliability of the interview test was 82%, which indicates acceptable reliability. Qualitative data collected from the interviews were analyzed by "inductive content analysis" method and quantitative data collected from questionnaires were analyzed using "descriptive statistics or parameters" and "Shannon entropy" method was employed to rank the importance of questionnaire statements. At the end; Opportunities, threats, strengths, and weaknesses of Iran in the Central Asian region were counted and proposed solutions to expand Iran's presence in the region had been presented.

KeyWords: *I.R.Iran, Central Asia, Strategic position and Analysis.*

تحلیل راهبردی موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی

سیدشهاب‌الدین حجازی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل راهبردی موقعیت ایران در منطقه آسیای مرکزی انجام پذیرفته است. این پژوهش بر مبنای هدف از نوع «کاربردی» و ماهیت از نوع «توصیفی - پیمایشی» بوده که از رویکردی «آمیخته» برخوردار است. جامعه آماری شامل کارشناسان و خبرگان منطقه بوده که ۳۲ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری «گلوله برفی» شناسایی و به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت تدوین ادبیات پژوهش، از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از ابزار «فیش برداری» و جهت گردآوری داده‌های واقعی، در بخش کیفی از ابزار «مصاحبه نیمه ساختار یافته» و در بخش کمی از «پرسش‌نامه بسته» استفاده شده است. پرسش‌های مصاحبه و پرسش‌نامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا توسط خبرگان تأیید و ضریب پایایی پرسش‌نامه (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰۶ محاسبه شد که بیانگر پایایی بالای پرسش‌نامه بوده است. پایایی بازارآزمون مصاحبه‌ها نیز ۸۲ درصد محاسبه شد که پایایی قابل قبولی است. داده‌های کیفی احصاشده از مصاحبه‌ها از روش «تحلیل محتوای استقرایی» و داده‌های کمی جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از «آماره‌ها یا پارامترهای توصیفی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و جهت رتبه‌بندی اهمیت گزاره‌های پرسش‌نامه، از روش «آنتروپی شانون» استفاده شده است. در پایان فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف ایران در منطقه آسیای مرکزی احصا و راهکارهای پیشنهادی به منظور گسترش حضور ایران در این منطقه ارائه شده است.

کلید واژه‌ها

جمهوری اسلامی ایران؛ آسیای مرکزی؛ موقعیت و تحلیل راهبردی.

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی به دلیل موقعیت جغرافیایی اش، نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. واقع شدن در قلب اوراسیا به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان، باعث شده تا بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی، برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر بپردازند (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۳). این منطقه علاوه بر آنکه میراث‌دار اقتصاد بزرگ جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا، آسیای شرقی، میان شمال و جنوب قاره آسیا به‌شمار می‌آید، به سبب کشف منابع غنی انرژی نیز به عنوان منطقه‌ای مهم محسوب می‌شود (بهمن، ۱۳۸۹: ۱۸).

آسیای مرکزی طی سال‌های طولانی، جایگاه مهمی در «تصور ژئوپلیتیک»^۱ ایران داشته است. این امر ناشی از یک ارتباط عمیق تاریخی است و قدمت آن، تنها به کنترل تاریخی امپراطوری‌های پی‌درپی ایران بر منطقه خلاصه نمی‌شود، بلکه مفهوم آسیای مرکزی، تداعی‌کننده موطن مشترک اقوام آریایی است که نام «ایران» از آن سرچشمه گرفته است (واستندیچ^۲، ۲۰۱۷: ۲). موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر نوعی «وابستگی ژئوپلیتیک»^۳ دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶)؛ از همین روی این منطقه جایگاه راهبردی در سیاست خارجی ایران دارد (باقری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۸۰). در مجموع می‌توان گفت آسیای مرکزی به واسطه اشتراکات مذهبی، قومی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی با ایران، به لحاظ ژئوپلیتیک^۴، ژئواستراتژیک^۵، ژئوکالچر^۶ و ژئواکونومیک^۷ اهمیت زیادی برای ایران دارد. (کارگری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴۵).

با این وجود؛ چنین به نظر می‌رسد که علی‌رغم ظرفیت‌ها و اشتراکات گسترده - به دلایلی که به آن پرداخته خواهد شد - ایران جایگاه شایسته‌ای در آسیای مرکزی ندارد و دستگاه سیاست خارجی ایران، آن گونه که باید، به این منطقه نپرداخته است. این در حالی است که برخورد منفعلانه با

-
1. Geopolitical Imagination
 2. Wastnidge
 3. Geopolitical Dependency
 4. Geo-politics
 5. Geo-strategy
 6. Geo-culture
 7. Geo-Economy

گسترش حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی و عدم بهره‌برداری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود، سبب تضعیف موقعیت ایران در این منطقه خواهد شد. به‌هر ترتیب، تحولات منطقه آسیای مرکزی با منافع ملی و منطقه‌ای ایران گره خورده است لیکن؛ گام‌برداری آگاهانه و هوشمندانه جهت دست‌یافتن به جایگاه شایسته، مستلزم رصد مستمر تحولات و تحلیل محیطی (داخلی و خارجی) این منطقه است.

در واقع شناخت و تحلیل محیط از الزامات سیاست خارجی بوده و در کانون توجه مجریان این عرصه قرار دارد؛ الزامی که ریشه در پویایی محیط دارد و بی‌توجهی به آن خسارت‌های جبران‌ناپذیر به بار می‌آورد و منافع و امنیت ملی کشورها را به خطر می‌اندازد. امکان آینده‌نگری نسبت به تحولات آتی از دیگر فواید تحلیل محیط است که مانع از مواجهه با شرایط و رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌گردد. شدت پیوستگی متقابل میان ایران و منطقه یادشده به‌گونه‌ای است که تحولات هر یک، پیامدهای اجتناب‌ناپذیر بر طرف دیگر خواهد داشت از این‌رو، پایش نظام‌مند و علمی تحولات این منطقه لازمه سیاست‌های کشور در قبال این منطقه است (جمشیدی و دهقی، ۱۳۹۳: ۳۱). ضروری است نقاط ضعف و قدرت عملکرد خودمان و فرصت‌ها و تهدیدات موجود در منطقه را شناسایی کنیم و با بازنگری نظام معرفتی خودمان نسبت به منطقه، به درک درستی از تحولات آن دست یافته و استراتژی مناسب را تدوین نماییم (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۸۸). به‌همین منظور؛ پژوهش حاضر جهت تحلیل محیط و شناخت موقعیت راهبردی ایران در منطقه (شناسایی ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)^۱ از تکنیک سوات بهره برده است.

این تکنیک ابزار مهمی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری است و به‌طور نظام‌مند، در تجزیه و تحلیل موقعیت راهبردی استفاده می‌شود (سالار و سالار^۲، ۲۰۱۴: ۶). به‌نظر می‌رسد انجام این پژوهش می‌تواند ضمن شناخت دقیق شرایط موجود، راه‌کارهای مناسب را به‌منظور تقویت موقعیت ایران در منطقه، پیش‌روی ذینفعان قرار دهد.

با این توضیح، هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که «فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف ایران در منطقه آسیای مرکزی کدامند»؟

1. Strengths, Weaknesses, Opportunities and Threats (SWOT)

2. Salar & Salar

پیشینه پژوهش

سرمدت و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی» به دنبال تدوین الگوی مبتنی بر ساختار ژئوپلیتیکی منطقه آسیای مرکزی و ایران برآمدند که ضمن کاهش تنش‌ها و چالش‌های فیما بین، به نوعی به همگرایی منطقه‌ای پایدار منجر گردد. این امر می‌تواند سبب توسعه روابط و جلوگیری از بروز تهدیدات ژئوپلیتیکی بین ایران و آسیای مرکزی گردد که اهداف آن، شناخت ساختار ژئوپلیتیکی، آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری گذشته و منابع تنش و تقابل در روابط میان ایران و آسیای مرکزی جهت تنش‌زدایی و کسب منافع مشترک منطقه‌ای است.

میرفرخایی و فیروزمندی بندپی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز» در پاسخ به این پرسش که دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی است، با استفاده از چارچوب مفهومی دیپلماسی رسانه‌ای، این فرضیه را مطرح کردند که دیپلماسی رسانه‌ای ایران مبتنی بر صداوسیما و ارگان‌های دولتی و دیپلماسی رسانه‌ای ترکیه مبتنی بر سازمان‌ها و تلویزیون‌های خصوصی است.

دهشیری و فقیهی (۱۳۹۸) در تحقیقی، تأثیر سیاست گردشگری بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در آسیای مرکزی بررسی کردند که نتایج تحقیق نشان داد سیاست‌های گردشگری جمهوری اسلامی ایران، تأثیر بسیار کمی در تقویت دیپلماسی فرهنگی ایران در کشورهای آسیای مرکزی داشته است.

ریبعی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تبیین ژئواکونومیک مناسبات ایران با قزاقستان» این پرسش را مطرح کردند که قزاقستان می‌تواند چه نقشی در حضور هرچه بیشتر ایران در آسیای مرکزی داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد قزاقستان نقش کلیدی در مناسبات ژئواکونومیکی ایران با آسیای مرکزی دارد و می‌تواند ظرفیت و پتانسیل ورود ایران به کشورهای آسیای مرکزی را ایجاد کند.

طاهری و عابدی اردکانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مثبت‌اندیشی کشورهای آسیای مرکزی نسبت به جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر موضوع هسته‌ای»، دلایل نگاه مثبت کشورهای آسیای

مرکزی به جمهوری اسلامی ایران را به ملاحظاتی همچون؛ ترس از واکنش جدی ایران و سرایت بی‌ثباتی به درون منطقه آسیای مرکزی، جایگاه ژئواکونومیک ایران نزد کشورهای آسیای مرکزی، احساس همبستگی با ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی و نگاه به ایران به‌عنوان موازنه‌بخش در مقابل کشورهایمانند ترکیه، پاکستان و اسرائیل نسبت داده‌اند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی با تأکید بر بعد نرم‌افزاری» دریافته‌اند که مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران بسیار شکننده است و این شکنندگی می‌تواند آثار و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد. با توجه به اینکه اکثر جمعیت اهل سنت کشور در مرزهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی ساکن هستند و با توجه به فعالیت این گروه‌ها در کشورهای آسیای مرکزی و ارتباط بخشی از اهل سنت با گروه‌های بنیادگرا و نیز بافت شکننده اهل سنت در برخی مناطق مرزی کشور، به‌طور حتم تأثیراتی بر امنیت و منافع ملی ایران خواهد داشت.

میرفرخایی و فیروزمندی‌بندی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته‌اند. محققان در این نوشتار به این نتیجه رسیده‌اند که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در حوزه‌های مذهبی، زبانی و تمدنی، فرصت و در حوزه ایدئولوژیک و دخالت‌های خارجی با چالش روبه‌رو است.

کرمی و کریمیان (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی پیامدهای روندهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ارتباطاتی و همگرایی منطقه‌ای در آسیای مرکزی بر منافع جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. برابر بررسی محققان، از بدو فروپاشی شوروی تحولات برجسته آسیای مرکزی بر منافع جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت مطرح پیرامونی تأثیر گذاشته اما آن‌گونه که یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، سیاست ایران به‌طور کلی در این حوزه بیشتر تدافعی (جلوگیری از ناامنی و تهدید احتمالی)، محتاطانه، حفظ وضع موجود و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه و فاقد خلاقیت بوده است که برای اغتنام فرصت‌ها و بهره‌بری بیشتر در جهت افزایش ثروت، نفوذ و قدرت ملی کشور در این منطقه ضرورت دارد.

دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک‌جامی (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از استقلال و همچنین دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه پرداخته‌اند. ایشان معتقدند که طی این مدت وجه غالب رفتار سیاست خارجی ایران در منطقه، متأثر از گفتمان ژئوپلیتیک و با وجهی عمل‌گرایانه و منفعت‌محور بوده است. دولت یازدهم نیز در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی با اقتصادمحور اعلام‌کردن سیاست خارجی خود، توجه ویژه‌ای را به گسترش روابط اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی معطوف داشته است.

حجتی (امیر رضا) و حجتی (ایرج) (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی» طرح عمل‌گرایانه و عقلانیت‌محور مبتنی بر نظریه کارکردگرایی را به‌عنوان طرحی مناسب برای سیاست خارجی ارائه کرده و نتیجه گرفته‌اند که چنان‌چه جمهوری اسلامی ایران در وهله اول بتواند مناسبات فرهنگی و اقتصادی خود را با این منطقه گسترش دهد، از لحاظ سیاسی و امنیتی نیز از این منطقه بهره می‌برد.

طاهری (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «نقش و جایگاه ژئواکونومیک ایران و ترکیه در نظم پیوندی خاورمیانه و آسیای مرکزی» بیان نموده است که برخورداری از ویژگی‌های مشترک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، باعث نوعی نظم پیوندی در سراسر منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی شده است. البته نقش و جایگاه ایران و ترکیه در این نظم پیوندی بی‌همتا است؛ زیرا دو کشور به‌عنوان گره‌هایی باعث پیوند میان حلقه‌ها با هم و تکمیل مفهوم نظم شبکه‌ای به‌جای نظم جغرافیایی می‌شوند. از نظر ژئواکونومیک، ایران و ترکیه به‌عنوان بزرگترین اقتصادهای منطقه خاورمیانه توان تأثیرگذاری بر معادلات این منطقه را دارند.

بوتوبکوف^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «امید واهی سیاست ایران در آسیای مرکزی» به فراز و نشیب‌های همکاری‌های دو و چند جانبه ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی طی ۲۵ سال پرداخته است. وی معتقد است که تهران در این منطقه برخلاف منطقه خاور مرکزی که تحت نفوذ گروه‌های شیعه نیابتی ایران است، نتوانسته نفوذ مؤثری داشته باشد. وی دلیل اصلی ناتوانی تهران در اثبات خود به‌عنوان یک شریک اقتصادی جذاب را در آسیای مرکزی، استراتژی بلندمدت آمریکا

1. Uran Botobekov

برای مهار ایران از طریق تحریم‌های اقتصادی و تقابل آن با غرب بر سر برنامه هسته‌ای بیان کرده و نتیجه گرفته است که علی‌رغم اشتراکات جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی، ایران در شرایط انزوای بین‌المللی همچنان قادر به گشودن «دریچه‌ای» به آسیای مرکزی نیست و نمی‌تواند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود.

النعیمات و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی» به تحلیل سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. آنان معتقدند ایران به منطقه آسیای مرکزی یک نگاه راهبردی دارد و این توجه می‌تواند به صادرات منابع ارزشمند از جمله نفت این منطقه کمک کند. ایران در تلاش است تا از منابع منطقه برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرد. این در حالی است که این منطقه ظرفیت‌های لازم برای این امر را دارد. ایران تلاش می‌کند تا از ظرفیت‌های متعدد منطقه استفاده کند تا نفوذ خود را افزایش دهد. تهران به دنبال اشاعه ایده انقلاب اسلامی در آسیای مرکزی نبوده و دریافته است که علی‌رغم فریب نخبگان حاکم در این کشورها در خصوص ارزش‌های سکولار، تمایلی هم برای پذیرش اندیشه انقلابی ایران وجود ندارد.

آکاف و پانتین^۲ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «آسیای مرکزی به مثابه تنش اقتصادی و ژئوپلیتیکی؛ برخی پیامدها برای آینده جهان»، نتیجه گرفته‌اند که با آغاز قرن بیست و یکم، تحول جدیدی در سیستم جهانی رخ داده و مرکز توسعه اقتصادی و سیاسی به تدریج به شرق مهاجرت کرده است. کشورهای آسیای مرکزی قسمت بسیار مهمی از مسیر جدید ابریشم هستند و این مسیر به دنبال اتصال آسیای شرقی به اروپا و خاور مرکزی است. ایالات متحده، چین، روسیه و سایر کنشگران، به شدت برای کنترل این مسیر در حال رقابت هستند؛ از این رو درگیری‌های مختلف ژئوپلیتیکی، اجتماعی و نظامی در آسیای مرکزی محتمل است.

وستنیک^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «آسیای مرکزی در تصور ژئوپلیتیک ایران» به ترسیم روابط ایران و آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پرداخته است. وی معتقد است این رویداد مجموعه جدیدی از همسایگان را در شمال برای ایران به وجود آورده و این در مقطعی رخ داد که ایران در حال تغییر جهت در سیاست خارجی خود بوده است. فاصله گرفتن از

1. Abdalla Moh'd Dyab Al- Nouimat et al
2. Askar Akaev and Vladimir Pantin
3. Edward Wastnidge

اهداف آرمان‌گرایانه افراطی (مانند صدور انقلاب اسلامی) و روی آوردن به اهداف عملی‌تر، اولویت‌بخشیدن به منافع ملی و پیگیری روابط خوب همسایگی را می‌توان از این جمله این تغییرات برشمرد.

کولنازاروف^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ژئوپلیتیک جدید آسیای مرکزی در سیاست خارجی قدرت‌های جهانی» نتیجه گرفته است که این منطقه به دلیل همسایگی با دو کشور از پنج کشور دارای سلاح هسته‌ای در جهان (روسیه و چین) و دسترسی به خلیج فارس و اقیانوس هند از طریق ایران و افغانستان، اهمیت راهبردی دارد. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، بازیگران برجسته جهانی و منطقه‌ای به دنبال پرکردن خلاء ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در منطقه برآمده‌اند. روسیه در تلاش برای بازگرداندن آسیای مرکزی و چین در تلاش است تا منطقه را در مدار نفوذ خود قرار دهد. طی دو دهه پس از فروپاشی شوروی، بازیکنان جهان هنوز موفق به ایجاد یک طرح کلی جهت همکاری یا مقابله با سایر قدرت‌ها نشده‌اند. اگرچه، در آغاز روسیه و چین تلاش کردند تا طرحی را برای همکاری با جمهوری‌های منطقه در سازمان همکاری شانگهای ایجاد کنند؛ اما به دلیل فقدان یک چشم‌انداز مشترک طولانی‌مدت، نمی‌توان این طرح را مؤثر و موفق قلمداد کرد.

رامر و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست ایالات متحده در قبال آسیای مرکزی» بیان نموده‌اند که تغییرات عمده ژئوپلیتیکی و پویایی‌های داخلی منطقه آسیای مرکزی، زمینه را برای احتمال افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ بین روسیه و چین فراهم می‌کند. نویسندگان این مقاله به دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا توصیه می‌کنند که سیاست این کشور باید سازگار با این تغییرات باشد تا جاه‌طلبی‌های واشنگتن در آسیای مرکزی را با منافع و ابزار محدود ایالات متحده هماهنگ کند. وعده‌دادن بیش از حد و تعیین اهداف بلندپروازانه اما غیرواقعی، منجر به ناامیدی متقابل، بدبینی و ناامیدی در میان پنج کشور آسیای مرکزی خواهد شد.

محتوای اصلی پژوهش‌های بررسی‌شده به ابعاد مختلفی؛ همچون اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه برای ایران و سایر کنشگران، دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی، علایق ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ظرفیت‌های همکاری و همگرایی منطقه با ایران پرداخته‌اند که در جای خود پژوهش‌های بسیار

1. Rustem Kulnazarov
2. Eugene Rumer et al

ارزشمندی محسوب می‌گردند. در تحقیق حاضر تلاش شده است با بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای این پژوهش‌ها و تحلیل محتوای نظرات کارشناسان و خبرگان منطقه، به شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها ایران در آسیای مرکزی پرداخته تا از این رهگذر، موقعیت ایران در این منطقه تبیین گردد.

مبانی نظری پژوهش

محیط‌شناسی

منطقه آسیای مرکزی به لحاظ سیاسی مفهومی سیال است؛ یعنی در گذر زمان و با تغییر معادلات سیاسی، محدوده از پیش تعریف‌شده برای این منطقه دستخوش دگرگونی می‌گردد (آقایی و فلاحی، ۱۳۹۴: ۱). این منطقه بین ترکستان شرقی (ترکستان چین)، مغولستان و تبت واقع شده است؛ اما در جغرافیای سیاسی امروز مقصود از آن، پنج کشور مشترک‌المنافع تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان است که در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مستقل شدند (زمانی‌محجوب، ۱۳۹۴: ۱۳). این منطقه هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد و ایده نامیدن این مناطق به‌عنوان یک منطقه مشخص و مجزای جغرافیایی با نام «آسیای مرکزی» در سال ۱۸۴۳ م. توسط جغرافیدان آلمانی، «الکساندر فون هومبولت»^۱ مطرح شد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۷). این منطقه با وسعت ۳/۹۹۴/۴۰۰ کیلومتر مربع، سرزمین وسیعی است که با داشتن بیش از ۷۰ درصد مسلمان، یکی از مهم‌ترین مناطق جهان شناخته می‌شود.

اهمیت منطقه در دوران پس از استقلال را می‌توان از بازسازی مفهوم «بازی بزرگ»^۲ استنباط کرد که در قرن ۱۹ میان امپراتوری روسیه و انگلستان جریان داشته است (مانستر و باسچ، ۱۳۹۴: ۱۱۲). منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را دربردارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزات کمیاب مثل طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب - از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم - قرار گرفته است (جان‌پرور و صالح‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

1. Alexander von Humboldt
2. Great Game

فضای جغرافیایی آسیای مرکزی و به تبع آن ارزش‌های این فضا در رقابت قدرت‌ها در این منطقه مؤثر است. مهم‌ترین ارزش‌های جغرافیایی که موضوع رقابتند، موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، سازه انسانی و بازار مصرف آسیای مرکزی هستند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵). منابع انرژی منطقه با توجه به افزایش نیاز به انرژی در آینده، بر اهمیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز افزوده و موجب رقابت برخی از قدرت‌های اقتصادی برای تسلط بیشتر بر منابع انرژی شده است (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۴).

شروع رقابت به تحولات و شرایط این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد که موجب شد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در کشورهای تازه‌استقلال‌یافته تلاش نمایند (واعظی، ۱۳۹۲: ۱). به‌دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشور روسیه به دلیل مشکلات داخلی برای مدت کوتاهی از توجه جدی به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز بازماند. این موضوع که سبب خلاء ژئوپلیتیک در این منطقه شد، فعالیت گسترده بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی و نیز بازیگران جهانی مانند ناتو و آمریکا را به دنبال داشت (سیمبر و پادروند، ۱۳۹۷: ۵۷). به هر ترتیب، فدراسیون روسیه از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران «بازی بزرگ جدید» منطقه آسیای مرکزی طی ۲۵ سال گذشته بوده است و در راستای حفظ وضع موجود، احیا و تقویت جایگاه سستی و هژمونیک روسیه در این منطقه، حفظ کشورهای منطقه در مدار سیاست خارجی و دفاعی مسکو و در نهایت مقابله با اهداف و سیاست‌های قدرت‌های رقیب به‌ویژه ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، کوشش‌های متعددی را در سطح مناسبات دوجانبه با پنج کشور منطقه آسیای مرکزی و نیز در سطح سازوکارهای چندجانبه نظیر جامعه کشورهای مشترک‌المنافع، پیمان امنیت دسته‌جمعی، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به اجرا گذاشته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

منطقه آسیای مرکزی برای آمریکا نیز اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی دارد؛ به این شکل که استقرار آمریکا در آسیای مرکزی می‌تواند ضمن مبارزه مستقیم با تروریسم و استفاده از منابع انرژی منطقه، از یک سو به گسترش نفوذ این کشور و از سوی دیگر به کنترل و مقابله با نفوذ رقبای سستی‌اش همچون روسیه و چین منجر شود (جوادی‌ارجمند و سلاورزی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۷۱).

رژیم صهیونیستی نیز به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به‌صورت خزننده در حال افزایش حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و خزر است (بصیری و همکاران^۱، ۲۰۰۴: ۱۱۹).

چین به‌عنوان همسایه قدرتمند این منطقه از جمله کشورهای است که همواره نگاه ویژه‌ای به این منطقه داشته است. حضور چین در منطقه فراتر از منطبق صرفاً اقتصادی بوده و به‌دنبال آن است تا با استفاده از اقدامات سیاسی و هماهنگی‌های دیپلماتیک به حفظ ثبات منطقه کمک کرده و تهدیدات امنیتی خود را تعدیل نماید (بالونینا^۲، ۲۰۱۹: ۱۳). چین بزرگ‌ترین واردکننده جهانی گاز طبیعی و نفت خام است و به همین واسطه به روسیه بسیار وابسته است. این منطقه غنی از هیدروکربن، می‌تواند به‌عنوان منبع جایگزین واردات انرژی عمل کند و وابستگی چین به مسکو را کاهش دهد (سهای^۳، ۲۰۱۹: ۲).

در دوره اولیه استقلال، یک جهت‌گیری ژئوپلیتیکی در حال رشد نسبت به غرب نمایان بود و فشار برای پیوستن به بازارهای آزاد و نسخه اقتصادی لیبرال، با درجات مختلفی از موفقیت در سراسر منطقه به اجرا درآمد (رامر و همکاران^۴، ۲۰۱۶: ۲۶). در همین راستا دولت‌های نوظهور منطقه، فرصت بالقوه دیگری را برای ارتقای قدرت نسبی ترکیه در سطح منطقه‌ای و جهانی فراهم آوردند؛ بنابراین ترکیه برای ایجاد روابط صمیمانه با تمام دولت‌های آسیای مرکزی، به ترویج الگوی سیاسی دموکراسی سکولار و الگوی اقتصادی سرمایه‌داری در این کشورها اقدام کرد (کوشکی و بصیری‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

اگرچه اروپایی‌ها به محدودیت‌های ظرفیت‌های خود در آسیای مرکزی واقف‌اند؛ اما به‌دنبال آن هستند تا با اتخاذ سیاست‌های فعال در منطقه، در تحولات ژئوپلیتیکی و تغییر در روابط بین بازیگران اصلی منطقه (روسیه، چین و آمریکا) نقش قابل توجهی ایفا کنند (کیلیبایوا و همکاران^۵، ۲۰۱۸: ۲۸). شاید بتوان برنامه‌های اتحادیه اروپا را در کمک به کشورهای منطقه در بهبود امنیت مرزها و مقابله با قاچاق مواد مخدر در همین راستا ارزیابی نمود (راسسل^۶، ۲۰۱۹: ۵).

-
1. Basiri & et. Al
 2. Bolonina
 3. Sahai
 4. Rumer & et. Al
 5. Kilybayeva & et. Al
 6. Russell

رشد پایدار اقتصادی هند از اوایل دهه ۱۹۹۰، همراه با ظهور آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان محصولات مرتبط با نفت و گاز در جهان، پایه جدیدی را برای تعریف مجدد روابط سنتی این کشور با منطقه آسیای مرکزی فراهم کرده است. علاقه راهبردی هند شامل امنیت انرژی، توسعه تجارت و برنامه توسعه زیرساخت‌های این منطقه است (کوساری^۱، ۲۰۱۸: ۲۸). پاکستان منافع راهبردی و اقتصادی عظیمی در آسیای مرکزی دارد. منافع اقتصادی مهم‌ترین دلیل برقراری روابط دوجانبه بین پاکستان و کشورهای منطقه بوده و در این میان پیشرفت و تقویت مناسبات هماهنگ اقتصادی، مهم‌ترین هدف این کشور در منطقه است (جاوید و دشتی^۲، ۲۰۱۶: ۶۸)..

اهداف و منافع ایران در آسیای مرکزی

درواقع، اصول و مبانی سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی عمدتاً از نگرش فرهنگی و تمدنی تاریخ، پیشینه اجتماعی و مذهبی مشترک، رویکرد اقتصادی مبتنی بر همکاری با دولت‌های منطقه و دغدغه‌های امنیتی ناشی از نفوذ و حضور قدرت‌های خارجی و تهدید برخاسته از رقابت‌جویی آن‌ها برمی‌خاست و در نتیجه، نگرش آرمانی و ایدئولوژیک نتوانست غلبه کند و ایران بیشتر به عنوان بازیگر، خواستار ثبات، کمک‌کننده به امنیت منطقه‌ای و میانجی‌گر در بحران‌های منطقه شناخته شده است. مهم‌ترین اهداف و منافع سیاست خارجی ایران را می‌توان به شکل زیر معرفی نمود:

- گسترش روابط با کشورهای منطقه؛
 - نقش‌آفرینی محوری در منطقه؛
 - حفظ ثبات و امنیت در منطقه؛
 - جلوگیری از نفوذ قدرت‌های رقیب و تقویت مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی ایرانی و اسلامی (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۷۳).
- در ادامه اهداف ایران در منطقه آسیای مرکزی در ابعاد مختلف سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌شود.

1. Kothari
2. Dashti & Javaid

الف) اهداف سیاسی - امنیتی:

از نظر سیاسی - امنیتی، این منطقه به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، داشتن مرزهای طولانی آبی - خاکی، تلاش آمریکا و ناتو برای نفوذ در منطقه، شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مرکزیت این منطقه و رژیم حقوقی دریای خزر، اهمیت قابل‌توجهی دارد (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۰). ظهور منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان یک زیرسیستم مستقل منطقه‌ای، نگرانی‌ها و تهدیدات مشترکی را فراروی کشورهای این منطقه قرار داده است که فائق آمدن بر آن، جز از طریق گسترش همکاری با کشورهای منطقه از جمله ایران میسر نخواهد بود. مواردی مانند تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان و ترانزیت آن از منطقه آسیای مرکزی، بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان، تقویت مجدد جایگاه طالبان در صحنه سیاسی این کشور و گسترش بنیادگرایی و تروریسم؛ از جمله تهدیدات مشترک منطقه‌ای در حوزه امنیتی است که می‌تواند بستر مناسبی برای هم‌گرایی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به‌شمار رود (علویان و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶).

تهدید رادیکالیسم اسلامی در آسیای مرکزی که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی گسترش یافته است، امروزه چالشی اساسی را متوجه دولت‌های این منطقه کرده است (باقری و مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۶). خطر بنیادگرایان اسلامی به‌عنوان تهدید اصلی هر پنج کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شود (تیلیونی و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۳۰۳). افزایش گروه‌های مخفی تندرو و همچنین احتمال گسترش ایدئولوژی افراطی در این منطقه را نمی‌توان رد کرد (مانی و همکاران^۲، ۲۰۱۶: ۱۷۵-۱۷۴). واقعیت این است که رشد رادیکالیسم مذهبی در آسیای مرکزی و هر نقطه دیگر جهان، نه تنها برای ایران مطلوب نیست، بلکه هم با بنیاد سیاست مذهبی ایران در تعارض است و هم تهدیدی بر منافع ملی تلقی می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۰۱). با توجه به این‌که ایران از اندک کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه است که نه تنها از خوانش افراطی گروه‌های تروریستی وهابی که هم‌اکنون در همه نقاط جهان مشغول وحشت‌آفرینی و کشتار و خشونت هستند حمایت نمی‌کند - بلکه دشمن

1. Tiliouine & et. Al
2. Muni & et. Al

ایدئولوژیک آنان نیز هست - می‌تواند متحد خوبی برای کشورهای منطقه در مبارزه با افراط‌گرایی و خطرهای ناشی از آن باشد (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۴۰).

ب) اهداف اقتصادی:

منطقه آسیای مرکزی محصور در خشکی است و برای ارتباط با جهان بیرون به کشور ثالث نیاز دارند. به همین دلیل این کشورها برای صادرات کالاهای تولیدی خود به جهان بیرون، مجموعه‌ای از طرح‌ها را در بخش‌های حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، خطوط لوله انتقال نفت و گاز در دستور کار قرار دارند (طاهری و عابدی‌اردکانی، ۱۳۹۷: ۳۶۵-۳۶۴). از سویی، وابستگی‌های شدید کشورهای منطقه به روسیه و مشکلات فراوان اقتصادی این کشورها، آن‌ها را به کوشش همه‌جانبه‌ای برای یافتن شرکای جدید اقتصادی - بازرگانی در منطقه کشانده است (بزدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۸). ایران از کشورهایی است که نقش چشمگیری را در طرح‌های برق - آبی، خطوط لوله انتقال نفت و گاز، شبکه‌های ریلی و شبکه‌های جاده‌ای این کشورها دارد (طاهری و عابدی‌اردکانی، ۱۳۹۷: ۳۶۵-۳۶۴).

از نظر اقتصادی، انتقال خطوط انرژی و نقش ترانزیتی و کریدوری ایران در ارتباط این کشورها با آب‌های آزاد و همچنین بازار مصرف این کشورها اهمیت دارد؛ اما به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، ایران تاکنون نتوانسته است در مقایسه با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش اقتصادی پررنگی در این جمهوری‌ها ایفا نماید (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۰).

یکی از واقعیت‌های ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مرکزیت فرهنگی آن در بین همسایگانش و قدرت نرم در تصرف بازارهای منطقه است. با درک این موضوع می‌توان در جهت اقتصادی متناسب با این مؤلفه ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی گام برداشت (گل‌کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰).

در چنین شرایطی ایران با داشتن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال‌ارزانی می‌دارد. این ارتباط کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر - آسیای مرکزی به بازارهای جهانی را که شامل شبه‌قاره هند، ژاپن و خاور دور است، فراهم می‌کند (مجتهدزاده و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). وجود سوابق دیرینه تاریخی از روابط گسترده

اقتصادی مانند ۱۶۰۰ سال استفاده منظم از جاده تاریخی ابریشم و نیز طرح‌هایی چون راه‌آهن سراسری آسیا، بزرگراه آسیایی و کریدور شمال - جنوب، خط لوله گاز نابوکو (ترکمنستان - ایران - ترکیه) و نیز خط لوله قزاقستان - ترکمنستان - ایران، می‌تواند مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌روی ایران در آسیای مرکزی، چه به صورت دوجانبه و چه در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و شانگهای در حوزه اقتصادی باشد (علویان و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۸: ۷۰). جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و گسترش روابط سیاسی می‌تواند پیوندهای حیاتی و راهبردی را با دولت‌های منطقه برقرار کند و به موازات جلب اعتماد دولت‌ها با استفاده از دیپلماسی فرهنگی که بر پایه پیوندهای زبانی، تاریخی و هویتی بنا شده به اقناع مردم منطقه و جذب آن‌ها حول محور فرهنگ مشترک اقدام کند (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۳۷). بعد از جنگ سرد، گرایش به سوی منطقه‌گرایی در مناطق گوناگون جهان بیشتر شده است. آسیای مرکزی از مناطق ژئواستراتژیک است که همواره در کانون توجه کشورهای مختلف بوده است. در این منطقه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی^۱، ظرفیت خوب و مناسبی برای ارتقای سطح اقتصادی کشورهای این منطقه دارد که سیاست خارجی ایران می‌تواند از این ظرفیت‌ها در راستای منافع ملی خود بهره‌بردار (فرسائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

ج) اهداف فرهنگی:

وابستگی‌های فرهنگی و قدرت نرم ایران در منطقه و نفوذ ایران در میان مردم کشورهای منطقه سبب می‌شود که دستگاه تصمیم‌گیری کشورهای آسیای مرکزی حتی کشورهایی چون ازبکستان، به جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار در منطقه آسیای مرکزی نگاه کنند (طاهری و عابدی‌اردکانی، ۱۳۹۷: ۳۷۷). ایران امتیازات و ویژگی‌های خاصی در حوزه آسیای مرکزی دارد؛ از جمله هم‌آیینی و هم‌کیشی، قرابت جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی - تاریخی، اشتراکات زبانی با برخی از اقوام، حضور ایرانیان مقیم و امتیاز غلبه تأثیرگذاری بر تأثیرپذیری (علویان و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۸: ۷۱). با وجود اشتراکات فراوان میان ایرانیان و مردم منطقه، هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی به استقلال رسیدند، ایران از یک سو در صدد معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه برآمد

1. Eurasian Economic Union (EAEU)

و از سوی دیگر اشتراکات و پیوندهای فرهنگ و هویت نژادی، قومی و زبانی با مردم آسیای مرکزی را زمینه فعالیت‌های متنوع فرهنگی قرار داد. در این شرایط، ایران با احساس قرابت تاریخی و فرهنگی به آسیای مرکزی با اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه، به بسط مناسبات فرهنگی با این جمهوری‌ها پرداخت (کولایی و روا، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

در مجموع، دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق این اهداف و منافع - واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه - بیشتر بر عناصر اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیک تأکید کرده است (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

موانع و دلایل فقدان جایگاه شایسته آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران

طی نزدیک به سه دهه اخیر، ایران با اهداف و اصولی نسبتاً مشخص وارد تعامل با منطقه شده و اگرچه در نهایت عمل‌گرایانه با کشورهای منطقه تعامل کرده است، اما دولت‌های منطقه با تأثیرپذیری از فضای رسانه‌ای بین‌المللی و نیز فشارهای غرب در تعامل با ایران، با احتیاط برخورد کرده‌اند و همین موضوع نیز موجب شده تا با وجود فرصت‌های زیاد برای همکاری ایران و کشورهای منطقه، در عمل سطح این ارتباطات محدود مانده و ایران نیز نتوانسته است نقش مؤثر متناسب با جایگاه خود را ایفا نماید (کرمی و کریمیان، ۱۳۹۶: ۵۶). عواملی چون خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای، جایگاه مهم ایران در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، وجود ذخایر بزرگ انرژی دنیا در منطقه و تمایل کشورهای آسیای مرکزی به حضور قدرت‌های خارجی، باعث حضور قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی شده و موانع جدی برای حضور مؤثرتر ایران در این منطقه به وجود آورده است (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳).

عوامل متعدد دیگری هم در کم‌تر بودن نقش و نفوذ ایران در منطقه در مقایسه با سایر کنشگران مؤثر بوده‌اند؛ اولاً جمعیت ایران بیشتر شیعه هستند درحالی‌که بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی سنی‌اند؛ ثانیاً هویت ایران به‌طور بارزی ماهیت مذهبی دارد که نمی‌تواند خوشایند رهبران سکولار کشورهای منطقه باشد و ثالثاً سیاست‌های ضدغربی ایران، مطلوب کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی و قفقاز نیست؛ زیرا آن‌ها نیازمند کمک‌های غرب برای توسعه‌ی اقتصادی خود هستند (سیمبر، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۲). عامل بسیار مهم دیگری که دلیلی برای موفق نبودن

ایران در منطقه آسیای مرکزی است، تمرکز بسیار زیاد سیاست خارجی ایران بر منطقه خاورمیانه است (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۸: ۲۳۱).

در مجموع دلایل فقدان جایگاه شایسته آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران را می‌توان در دو دسته از عوامل جست‌وجو کرد؛ عواملی که هم به شرایط منطقه‌ای و هم داخلی ربط دارند.

الف) عوامل منطقه‌ای:

- تبلیغات ایران‌هراسی؛
- فعالیت‌های مخرب کشورهای رقیب؛
- بوروکراسی و فساد دستگاه اداری جمهوری‌ها؛
- کوچک و دولتی بودن اقتصاد کشورهای منطقه.

ب) عوامل داخلی:

- وجود ابهام در جایگاه ژئوپلیتیکی ایران؛
- فقدان شناخت کافی از توانمندی‌های خود و ظرفیت‌های منطقه؛
- فقدان هماهنگی و نگرش سیستمی بین نهادهای فعال در روابط خارجی؛
- شکاف بین نظر و عمل؛
- عدم کفایت مالی؛
- «اقتصادمحور» نبودن روابط با منطقه؛
- سودآوربودن سرمایه در داخل؛
- فقدان مکانیزم حمایتی از فعالیت‌های بخش خصوصی در منطقه؛
- فقدان استراتژی ملی (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۸).

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، از نوع «تحقیقات کاربردی» و بر مبنای ماهیت، از نوع «توصیفی - پیمایشی» بوده که با توجه به استفاده توأمان از روش‌های کمی (پیمایشی) و روش‌های کیفی (تحلیل محتوای کیفی) رویکردی «آمیخته» دارد. جامعه آماری تحقیق شامل آن دسته از خبرگان و

کارشناسان منطقه آسیای مرکزی است که تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مرتبط با پژوهش داشته و سابقه حضور و فعالیت در منطقه را داشته‌اند. جامعه نمونه شامل ۳۲ نفر از خبرگان و کارشناسان این حوزه است که با روش نمونه‌گیری «گلوله برفی» شناسایی و به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. به منظور گردآوری اطلاعات موردنیاز جهت تدوین ادبیات تحقیق از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از ابزار «فیش برداری» و جهت گردآوری داده‌های واقعی در بخش کیفی، از ابزار «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» و در بخش کمی، از «پرسش‌نامه بسته» استفاده شده است. پرسش‌های مصاحبه و پرسش‌نامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا توسط خبرگان تأیید گردیده و ضریب پایایی پرسش‌نامه (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰۶ محاسبه شد که بیانگر پایایی بالای پرسش‌نامه بوده است. به منظور محاسبه پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها نیز از روش شاخص ثبات یا پایایی بازآزمون^۱ استفاده شده است و برای این منظور، سه مصاحبه به‌طور تصادفی انتخاب و مجدداً عملیات کدگذاری پس از گذشت ۳۰ روز انجام پذیرفت و نتایج مورد مقایسه قرار گرفت. بدین ترتیب پایایی بازآزمون مصاحبه‌ها ۸۲ درصد محاسبه شد و با توجه به اینکه این میزان بیشتر از ۷۰ درصد است، می‌توان گفت پایایی کدگذاری مصاحبه‌های این تحقیق مورد تأیید است.

داده‌های کیفی احصاشده از مصاحبه‌ها از روش «تحلیل محتوای استقرایی» و داده‌های کمی جمع‌آوری‌شده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از «آماره‌ها یا پارامترهای توصیفی» تجزیه و تحلیل جهت رتبه‌بندی اهمیت گزاره‌های پرسش‌نامه، از روش «آنتروپی شانون»^۲ استفاده شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمعیت‌شناختی

اطلاعات جمع‌آوری‌شده مربوط به پاسخ‌دهندگان و توصیف آماری آن به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه نمونه (درصد)

سن خدمتی (سال)	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	۲۵-۳۰	بیش از ۳۰
	۹/۳۸	۲۱/۸۷	۲۵	۲۸/۱۳	۱۵/۶۲

1. Re-test Reliability
2. Shnnon Entropy

روابط بین‌الملل	مدیریت راهبردی	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	مطالعات منطقه‌ای	رشته تحصیلی
۱۸/۷	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۸/۷	۳۱/۲	
وزارت اطلاعات	نیروهای مسلح	خبرگان دانشگاهی	امور خارجه	مراکز راهبردی	محل خدمتی
۹/۳۷	۳۷/۵	۱۸/۷۵	۱۵/۶۲	۱۸/۷۵	
		دکتری	دانشجوی دکتری	کارشناسی ارشد	سطح تحصیلات
		۴۰/۶۲	۲۵	۳۴/۳۷	
		بیش از پنج	۳-۵	۱-۳	فعالیت در منطقه (سال)
		۴۶/۸۸	۳۷/۵	۱۵/۶۲	

ب) تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش، ابتدا فهرستی از فرصت‌ها، تهدیدات، نقاط قوت و ضعف ج.ا.ایران در منطقه آسیای مرکزی، براساس مطالعه ادبیات موضوع و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان منطقه احصا، سپس توسط جامعه خبرگی تحقیق، ارزیابی شد. در این گام، علاوه بر پرسش درخصوص موافق یا مخالف بودن خبرگان با هر یک از گزاره‌ها، میزان اهمیت آن نیز پرسیده شد و با استفاده از روش آنتروپی شانون رتبه‌بندی شده است. در ادامه جداول مربوط به این تجزیه و تحلیل آمده است.

جدول ۲. فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

رتبه	فرصت‌ها	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۱	ارتباط و همکاری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای (اگو و سازمان همکاری شانگهای)	مخالف	۲	۶۳	۰/۱۳۷۳
		موافق	۳۰	۹۳/۸	
۲	اهمیت جمهوری اسلامی ایران ایران از نقطه‌نظر ترانزیت و حمل و نقل برای کشورهای منطقه	مخالف	۳	۹/۴	۰/۱۳۷۳
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۳	اشتراکات گسترده تاریخی، تمدنی و فرهنگی ایران و کشورهای منطقه	مخالف	۳	۹/۴	۰/۱۳۶۴
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۴	امکان بهره‌گیری از فرصت‌های به‌دست‌آمده از رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی	مخالف	۵	۱۵/۶	۰/۱۳۴۱
		موافق	۲۷	۸۴/۴	

رتبه	فرصت‌ها	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۵	دغدغه‌های مشترک رهبران آسیای مرکزی و جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با افراط‌گرایی دینی و تروریسم	مخالف	۵	۱۵/۶	۰/۱۳۳۵
		موافق	۲۷	۸۴/۴	
۶	عزم جدی کشورهای آسیای مرکزی در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و امکان انتقال تجارب ارزنده ایران در این زمینه	مخالف	۱۲	۳۷/۵	۰/۱۱۸۷
		موافق	۲۰	۶۲/۶	
۷	عملکرد فعالانه در زمینه‌های مربوط به آب و مسائل زیست‌محیطی به‌عنوان کشور بی‌طرف و میانجی	مخالف	۱۷	۵۳/۱	۰/۱۷۳
		موافق	۱۵	۴۶/۹	
۸	وجود روحیه ضداستکباری در میان مسلمانان آسیای مرکزی	مخالف	۲۰	۶۲/۵	۰/۰۹۵۳
		موافق	۱۳	۳۷/۵	

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، خبرگان صرفاً با ۶ گزاره به‌عنوان فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه موافقت کرده‌اند. در میان آن‌ها بیشترین ضریب اهمیت به گزاره «ارتباط و همکاری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای» و کمترین اهمیت به گزاره «عزم جدی کشورهای منطقه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر» اختصاص یافته و گزاره‌های «وجود روحیه ضداستکباری در میان مسلمانان آسیای مرکزی» و «عملکرد فعالانه جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مربوط به آب و مسائل زیست‌محیطی» نیز حد نصاب قابل قبول (۵۰ درصد) را کسب نکردند.

جدول ۳. تهدیدات احتمالی آسیای مرکزی برای جمهوری اسلامی ایران

رتبه	تهدیدات	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۱	گسترش هراس از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه (ایران‌هراسی) که ناشی از تبلیغات منفی رسانه‌های غربی است.	مخالف	۰	۰	۰/۱۷۳۹
		موافق	۳۲	۱۰۰	
۲	گسترش تروریسم و خطر بنیادگرایی سلفی در منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۰	۰	۰/۱۷۳۹
		موافق	۳۲	۱۰۰	
۳	بحران‌های قومی که ممکن است موجب ناامنی و صدور بحران به کشورهای همسایه شود.	مخالف	۱	۳/۱	۰/۱۷۰۱
		موافق	۳۱	۹۶/۹	
۴	گسترش ناتو به شرق (آسیای مرکزی) و افزایش حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در پیرامون ج.ا.ایران	مخالف	۳	۹/۴	۰/۱۶۸۲
		موافق	۲۹	۹۰/۶	

رتبه	تهدیدات	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۵	نگاه مالکیتی نسبت به مشترکات فرهنگی، تمدنی و تاریخی که به جای همگرایی، ممکن است سبب واگرایی گردد.	مخالف	۵	۱۵/۶	۰/۱۶۰۹
		موافق	۲۷	۸۴/۴	
۶	بحران آب و مسائل زیست‌محیطی در منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۸	۲۵	۰/۱۵۳۰
		موافق	۲۴	۷۵	

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، بالای ۷۵ درصد از پاسخ‌گویان با گزاره‌های احصاشده به‌عنوان تهدیدهای ج.ا.ایران در آسیای مرکزی موافقت نموده‌اند و در میان آن‌ها بیشترین ضریب اهمیت به گزاره‌های «گسترش هراس از نفوذ ج.ا.ایران در کشورهای منطقه» و «گسترش تروریسم و خطر بنیادگرایی سلفی در منطقه آسیای مرکزی» و کمترین اهمیت به گزاره «بحران آب و مسائل زیست‌محیطی در منطقه آسیای مرکزی» اختصاص یافته است.

جدول ۴. قوت‌های جمهوری اسلامی در آسیای مرکزی

رتبه	قوت‌ها	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۱	برخورداری ایران از امن‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد جهت ترانزیت کالا و انرژی	مخالف	۲	۶/۳	۰/۱۳۰۱
		موافق	۳۰	۹۳/۸	
۲	قرارگرفتن ج.ا.ایران میان دو منطقه بسیار مهم و استراتژیک سواحل مکران و آسیای مرکزی	مخالف	۳	۹/۴	۰/۱۲۹۶
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۳	توانایی و ظرفیت‌های ج.ا.ایران جهت تمرکز بر اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی در منطقه	مخالف	۲	۶/۳	۰/۱۲۷۵
		موافق	۳۰	۹۳/۸	
۴	نشست‌های مشترک وزرای امور خارجه و رؤسای جمهور ترکمنستان، قزاقستان و ج.ا.ایران در جلسات مربوط به دریای خزر	مخالف	۳	۹/۴	۰/۱۲۶۲
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۵	برخورداری ایران از نیروی انسانی ماهر و سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه‌یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی و هم‌چنین بنادر و پالایشگاه‌ها	مخالف	۶	۱۸/۸	۰/۱۲۳۶
		موافق	۲۶	۸۱/۳	
۶	وجود شخصیت‌ها و تشکل‌های همسو با جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی	مخالف	۵	۱۵/۶	۰/۱۲۳۱
		موافق	۲۷	۸۴/۴	

رتبه	قوت‌ها	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۷	استقرار نظام اسلامی در ایران با توجه به مسلمان بودن کشورهای منطقه	مخالف	۷	۲۱/۹	۰/۱۲۰۳
		موافق	۲۵	۷۸/۱	
۸	وجود نهادها و سازمان‌های فرهنگی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی	مخالف	۷	۲۱/۹	۰/۱۱۹۶
		موافق	۲۵	۷۸/۱	

همان‌گونه که در جدول ۴ آمده است، بالای ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان با گزاره‌های احصاء‌شده به‌عنوان قوت‌های ج.ا.ایران در منطقه موافقت نموده‌اند و در میان آن‌ها بیشترین ضریب اهمیت به گزاره «برخوردراری ایران از کوتاه‌ترین، امن‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد و نیز کشورهای خاورمیانه و اروپایی جهت ترانزیت کالا و انرژی از منطقه آسیای مرکزی» و کمترین اهمیت به گزاره «وجود نهادها و سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی» اختصاص یافته است.

جدول ۵. ضعف‌های جمهوری اسلامی در آسیای مرکزی

رتبه	ضعف‌ها	پاسخ	فراوانی	درصد	ضریب اهمیت
۱	فقدان یک استراتژی کلان در منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۱	۳/۱	۰/۰۷۹۲
		موافق	۳۱	۹۶/۹	
۲	فقدان یک رسانه کارآمد به‌منظور تاثیرگذاری فرهنگی بر روی مردم	مخالف	۱	۳/۱	۰/۰۷۹۲
		موافق	۳۱	۹۶/۹	
۳	عدم اولویت و نداشتن جایگاه برجسته کشورهای این منطقه در سیاست خارجی ج.ا.ایران در مقایسه با منطقه خاورمیانه	مخالف	۲	۶/۳	۰/۰۷۸۵
		موافق	۳۰	۹۳/۸	
۴	فقدان سیاست‌های مدون ایران در منطقه آسیای مرکزی و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه	مخالف	۲	۶/۳	۰/۰۷۸۳
		موافق	۳۰	۹۳/۸	
۵	بی‌توجهی به نقش توریسم و صنعت گردشگری بین ایران و کشورهای منطقه	مخالف	۳	۹/۴	۰/۰۷۷۷
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۶	فقدان نهادهای مردمی و غیر دولتی ج.ا.ایران در منطقه	مخالف	۳	۹/۴	۰/۰۷۷۴
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۷	ناتوانی در حل اختلاف با روسیه در زمینه ژئوپلیتیک انرژی به ویژه ترانزیت و انتقال انرژی منطقه	مخالف	۳	۹/۴	۰/۰۷۷۳
		موافق	۲۹	۹۰/۶	
۸	بی‌توجهی به زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک ایران و مناطق فارسی‌زبان کشورهای منطقه	مخالف	۴	۱۲/۵	۰/۰۷۶۶
		موافق	۲۸	۸۷/۵	
۹	کم توجهی به مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی، قومی،	مخالف	۴	۱۲/۵	۰/۰۷۶۵

	۸۷/۵	۲۸	موافق	نژادی بین ایران و کشورهای منطقه	
۰/۰۷۶۵	۱۵/۶	۵	مخالف	عدم آشنایی با تحولات و جریان‌های فرهنگی موجود در منطقه	۱۰
	۸۴/۴	۲۷	موافق		
۰/۰۷۶۰	۱۸/۷	۶	مخالف	اعزام برخی نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و درستی از منطقه ندارند.	۱۱
	۸۱/۳	۲۶	موافق		
۰/۰۷۴۴	۲۱/۹	۷	مخالف	فقدان فهم و درک مشترک فرهنگی بین مردم ایران و مردم منطقه	۱۲
	۷۸/۱	۲۵	موافق		
۰/۰۷۲۳	۳۱/۲	۱۰	مخالف	کم‌توجهی وزارت امور خارجه به دیپلماسی عمومی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی	۱۳
	۶۸/۸	۲۲	موافق		

همان‌گونه که در جدول ۵ آمده است، بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان با موارد احصاشده به‌عنوان ضعف‌های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی موافقت نموده‌اند و در میان آن‌ها بیشترین ضریب اهمیت به گزاره‌های «فقدان یک استراتژی کلان در منطقه آسیای مرکزی» و «فقدان یک رسانه کارآمد به‌منظور تأثیرگذاری فرهنگی بر روی مردم» و کمترین اهمیت به گزاره «کم‌توجهی وزارت امور خارجه به دیپلماسی عمومی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی» اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش با هدف شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های ایران در آسیای مرکزی انجام پذیرفته است. جهت دستیابی به این مهم از نظر خبرگان و کارشناسان منطقه استفاده شده و عوامل راهبردی به‌ترتیب اولویت به‌شرح زیر شناسایی شده است:

الف) فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

- ارتباط و همکاری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای (اگو و شانگهای)؛
- اهمیت جمهوری اسلامی ایران از نقطه‌نظر ترانزیت و حمل و نقل برای کشورهای منطقه؛
- اشتراکات گسترده تاریخی، تمدنی و فرهنگی ایران و کشورهای آسیای مرکزی؛

- امکان بهره‌گیری از فرصت‌های به‌دست‌آمده از رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی؛
- دغدغه‌های مشترک رهبران آسیای مرکزی و جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با افراط‌گرایی دینی و تروریسم و
- عزم جدی کشورهای منطقه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و امکان انتقال تجارب ارزنده ایران در این زمینه.

ب) تهدیدها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

- گسترش ایران‌هراسی در منطقه ناشی از تبلیغات منفی رسانه‌های غربی؛
- گسترش تروریسم و خطر بنیادگرایی سلفی در منطقه آسیای مرکزی؛
- ناامنی و صدور بحران به کشورهای همسایه از طریق بحران‌های قومی؛
- گسترش ناتو به شرق (آسیای مرکزی) و افزایش حضور نیروهای فرامنطقه‌ای پیرامون ج.ا.ایران؛
- نگاه مالکیتی ایران و کشورهای منطقه به اشتراکات فرهنگی، تمدنی و تاریخی و
- بحران آب و مسائل زیست‌محیطی در منطقه آسیای مرکزی.

ج) نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

- برخورداری ایران از کوتاه‌ترین، امن‌ترین و باصرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد؛
- قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران میان دو منطقه بسیار مهم و استراتژیک سواحل مکران و آسیای مرکزی؛
- توانایی و ظرفیت‌های ایران جهت اجرای پروژه‌های مشترک؛
- نشست‌های مشترک مقامات ایران با مقامات ترکمنستان و قزاقستان در جلسات مربوط به کشورهای حاشیه خزر؛
- برخورداری ج.ا.ایران از نیروی انسانی ماهر در فناوری نفتی و سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه‌یافته؛

- برخورداری جمهوری اسلامی ایران از زیرساخت‌های کشتیرانی و همچنین بنادر و پالایشگاه‌ها؛
- وجود نهادها و سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و
- استقرار نظام اسلامی در ایران با توجه به مسلمان‌بودن کشورهای منطقه.

(د) نقاط ضعف ج.ا.ایران در آسیای مرکزی

- فقدان یک استراتژی کلان در منطقه آسیای مرکزی؛
- فقدان یک رسانه کارآمد به منظور تأثیرگذاری فرهنگی بر روی مردم؛
- عدم اولویت و نداشتن جایگاه برجسته کشورهای این منطقه در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛
- فقدان سیاست‌های مدون ایران در منطقه آسیای مرکزی و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه؛
- بی‌توجهی به نقش توریسم و صنعت گردشگری بین ایران و کشورهای منطقه؛
- فقدان نهادهای مردمی و غیردولتی ج.ا.ایران در منطقه؛
- ناتوانی در حل اختلاف با روسیه در زمینه ژئوپلیتیک انرژی به‌ویژه ترانزیت و انتقال انرژی منطقه؛
- بی‌توجهی به زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک ایران و مناطق فارسی‌زبان کشورهای منطقه؛
- کم‌توجهی به مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی، قومی و نژادی بین ایران و کشورهای منطقه؛
- عدم آشنایی با تحولات و جریان‌های فرهنگی موجود در منطقه؛
- اعزام برخی نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و درستی از منطقه ندارند؛
- کم‌توجهی وزارت امور خارجه به دیپلماسی عمومی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و
- فقدان فهم و درک مشترک فرهنگی بین مردم ایران و مردم منطقه آسیای مرکزی.

در پایان، به منظور استفاده از فرصت‌های پیش‌رو با توجه به نقاط قوت ج.ا.ایران و همچنین پرهیز از تهدیدات احتمالی با مدنظر قرار دادن نقاط ضعف ج.ا.ایران در منطقه آسیای مرکزی، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- تدوین یک استراتژی کلان گام‌به‌گام با هم‌فکری و تعامل تمام دستگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اجرایی ذی‌نفع با محوریت دستگاه سیاست خارجی، جهت حضور هوشمندانه و هدفمند در منطقه با تکیه بر اشتراکات دینی، تاریخی، زبانی، فرهنگی و تمدنی؛
- انتخاب و اعزام سفرا، وابستگان نظامی، نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و واقع‌بینانه‌ای از منطقه دارند؛
- تشکیل کارگروه آسیب‌شناسی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی با محوریت وزارت امور خارجه؛
- برگزاری نشست‌های مشترک بین نهادها، دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی فعال در منطقه به منظور ایجاد هماهنگی و همدلی جهت گسترش حضور ایران در منطقه؛
- تلاش دستگاه سیاست خارجی جهت عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای؛
- عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و این اعضای این اتحادیه؛
- طراحی و استقرار سامانه دیدبانی منطقه آسیای مرکزی در وزارت امور خارجه به منظور رصد مستمر تحولات منطقه؛
- فعال کردن سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور افزایش نفوذ دیپلماسی عمومی ایران در منطقه؛
- درک درست از تنوع قومی و نژادی منطقه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و برقراری ارتباط مؤثر با اقوام مختلف کشورهای منطقه (به‌ویژه قوم تاجیک) فارغ از هرگونه رویکرد ایدئولوژیک؛
- راه‌اندازی خبرگزاری‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی متناسب با ویژگی‌های اقوام مهم منطقه (تاجیک، قزاق، ازبک، ترکمن و قرقیز) به منظور شناساندن چهره واقعی ایران و کاهش تفکرات ایران‌هراسانه؛

- برقراری روابط حسنه بین عالمان دینی ایران با بزرگان و عالمان اهل سنت، تصوف، تشیع منطقه و سایر مذاهب از طریق برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی و نشست‌های تقریب مذاهب با تکیه بر اشتراکات دینی؛
- بهره‌مندی از اهل سنت حنفی مذهب شمال و شمال شرقی کشور برای برقراری و توسعه ارتباط با مردم این منطقه؛
- گسترش فعالیت کمیته امداد در منطقه به منظور انجام فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان‌دوستانه برای اقشار کم‌درآمد و تصویرسازی مثبت نزد افکار عمومی منطقه؛
- برگزاری مراسم‌های بزرگداشت مشاهیر و مفاخر مشترک به منظور توسعه تعاملات فرهنگی و دعوت از اندیشمندان منطقه؛
- برقراری ارتباط با دانشگاه‌های منطقه (دیپلماسی علمی) از طریق مبادله استاد و دانشجو، اعطای بورس تحصیلی، راه‌اندازی کرسی‌های زبان فارسی، برگزاری کنگره‌ها، کنفرانس‌های علمی و فرهنگی؛
- توسعه و رونق صنعت توریسم فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه از طریق لغو روادید، راه‌اندازی پروازهای مستقیم و منظم و اعطای تسهیلات ویژه برای مسافران؛
- برگزاری نشست‌های مشترک جهت همکاری با دولت‌های منطقه در خصوص حل و فصل دغدغه‌های مشترک مانند مقابله با افراط‌گرایی دینی، تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر؛
- معرفی شایسته ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به مقامات تأثیرگذار منطقه و جلب توجه و متقاعدسازی افکار عمومی به مزیت‌های رقابتی ایران؛
- معرفی جایگاه به حق ایران در جاده ابریشم جدید و نقش آفرینی به‌عنوان یک بازیگر مؤثر از طریق رایزنی دستگاه سیاست خارجی با کشورهای منطقه، کنش‌گران بین‌المللی تأثیرگذار (روسیه و چین) و سازمان‌های منطقه‌ای مانند پیمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو؛
- مشارکت گسترده و فعال ایران در پروژه‌های کشف، استحصال، استخراج و ترانزیت میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی جمهوری‌های منطقه به‌ویژه ترکمنستان و قزاقستان و

- مشارکت در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی منطقه با بهره‌گیری از توانایی و ظرفیت‌های ایران جهت تمرکز بر اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. آقایی، سیدداود؛ فلاحي، احسان (۱۳۹۴)، «آسیای مرکزی بزرگ‌تر از افسانه تا واقعیت»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۱، شماره ۸۹، صص ۳۱-۱.
۲. اسلامی، محسن، ایاز، بهروز (۱۳۹۶)، «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۱.
۳. احمدی، سیدعباس؛ ساوه درودی، مصطفی؛ واثق، محمود؛ ملکی، عباس (۱۳۹۷)، «تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی با تأکید بر بعد نرم‌افزاری»، *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۱۸۷-۱۶۷.
۴. اعظمی، هادی؛ زرقانی، سیدهادی؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای»، *دو فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال اول، شماره ۱، صص ۲۵-۲.
۵. باقری‌مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)، *آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
۶. باقری، یوسف؛ مجیدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «زمینه‌های پیدایش و رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، صص ۲۰۱-۱۷۹.
۷. بهمن، شعیب (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۶، شماره ۶۹، صص ۸۹-۱۱۰.
۸. بیگدلی، علیرضا (۱۳۸۱)، «موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۷، صص ۲۸-۷.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کولایی، الهه؛ کریمی، مهدی (۱۳۹۱)، «نقش فضای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها پس از جنگ سرد (مطالعه موردی: آسیای مرکزی)»، *فصلنامه‌ی فضای جغرافیایی*، سال دوازدهم، شماره ۳۹، صص ۱۲۰-۹۵.
۱۱. حجتی، امیررضا؛ حجتی، ایرج (۱۳۹۵)، «طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۲-۴۱.
۱۲. جان‌پرور، محسن؛ صالح‌آبادی، ریحانه (۱۳۹۷)، «تبیین و طبقه‌بندی اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۷۲-۱۳۳.

۱۳. جوادی‌ارجمند، محمدجعفر؛ سلورزی‌زاده، صالح (۱۳۹۶)، «راهبرد سیاسی - نظامی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر؛ هدف‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۷۱-۲۸۸.
۱۴. جمشیدی، محمد؛ الهی‌دهقی، ایرج (۱۳۹۳)، «ارائه الگوی تحلیل محیط راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۶، صص ۶۱-۳۱.
۱۵. دهشیری، محمدرضا؛ فقیهی، محبوبه (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر سیاست گردشگری بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۴۹-۳۳.
۱۶. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال؛ دامن‌پاک‌جامی، مرتضی (۱۳۹۵)، «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایران و جمهوری‌ها پس از استقلال»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۶، صص ۶۵-۲۵.
۱۷. ربیعی، حسین؛ عباسی پورنظام آباد، رضا؛ امیراحمدیان، بهرام؛ عبدی، عطااله (۱۳۹۷)، «تبیین ژئواکونومیک مناسبات ایران با قزاقستان»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۳۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۲۹)، صص ۳۹-۲۲.
۱۸. زمانی‌محبوب، حبیب (۱۳۹۴)، *اسلام در آسیای مرکزی*، تهران: انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول.
۱۹. سیمبر، رضا؛ پادروند، مهدی (۱۳۹۷)، «چالش‌های سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۱، صص ۷۸-۵۵.
۲۰. سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، «جایگاه ایران در تحولات ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز»، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۸۹-۷۱.
۲۱. طاهری، ابراهیم (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه ژئواکونومیک ایران و ترکیه در نظم پیوندی خاورمیانه و آسیای مرکزی»، *رساله دکتری علوم سیاسی*، دانشگاه تهران.
۲۲. طاهری، ابراهیم؛ عابدی‌اردکانی، محمد (۱۳۹۷)، «مثبت‌اندیشی کشورهای آسیای مرکزی نسبت به جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر موضوع هسته‌ای»، *دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۳۶۱-۳۷۹.
۲۳. علویان، مرتضی؛ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۹۲-۶۳.
۲۴. فرسائی، شهرام؛ قاسمی، حاکم؛ نوازی، بهرام (۱۳۹۸)، «فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۸، صص ۱۶۸-۱۴۱.
۲۵. فیرحی، داود. (۱۳۹۵)، «آسیای میانه؛ ایران و اسلام»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۲۰۹-۱۸۹.
۲۶. کرمی، جهانگیر؛ کریمیان، علیرضا (۱۳۹۶)، «ایران و آسیای مرکزی؛ روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز آینده»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ششم، شماره ۳، صص ۶۳-۴۱.

۲۷. کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷)، «سیاست اوراسیایی ایران، انقلاب اسلامی و سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و دوم، شماره ۴، صص ۲۰۰-۱۵۹.
۲۸. کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۴)، *سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی: روندها و چشم‌اندازها*، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۲۹. کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶)، «سیر تحول گفتمانی فدراسیون روسیه در منطقه آسیای مرکزی؛ از گفتمان یوروآتلانتیس تا قدرت بزرگ هنجارمند (۱۹۹۱-۲۰۱۶)»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۷، صص ۲۰۶-۱۷۵.
۳۰. کولایی، الهه؛ رواء، سارا (۱۳۹۷)، «دیپلماسی علمی ایران در آسیای مرکزی»، *دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۰۳.
۳۱. کوشکی، امین؛ بصیری‌نیا، علی (۱۳۹۸)، «راهنمای سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۵، صص ۱۹۰-۱۶۱.
۳۲. سرمست، حمیدرضا؛ بیژنی، علی؛ اخباری، محمد (۱۳۹۸)، «ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی»، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۳۲۴-۳۱۱.
۳۳. *سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی: روندها و چشم‌اندازها*، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۳۴. گل‌کرمی، عابد؛ کریمی‌پور، یدالله؛ متقی، افشین؛ ربیعی، حسین (۱۳۹۷)، «تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت‌های ژئوآکونومیک»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال هجدهم، شماره ۴۹، صص ۵۷-۳۷.
۳۵. مانستر، آنا؛ باسچ، رابرت (۱۳۹۴)، *رشد افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.
۳۶. مجتهدزاده، پیروز؛ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۷)، «خزر بر سر دو راهی درگیری و همکاری: بررسی راه‌های گسترش همکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال پانزدهم، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۱۹۴-۱۶۵.
۳۷. میرفخرایی، سیدحسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، *دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۲۳۴-۲۱۹.
۳۸. میرفخرایی، سیدحسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۴۸-۴۳۳.
۳۹. میرمحمدی، سیدرضا (۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۳)، «پیشینه، ابعاد و پیامدهای حضور عربستان سعودی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *موسسه مطالعات ایران و اوراسیا*، تاریخ استخراج: ۲۰ بهمن ۱۳۹۷، <http://iras.ir/fa/doc/note/597>

۴۰. واعظی، محمود (۱۳۸۶)، *ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۴۱. واعظی، محمود (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲)، «راهبردهای نوین رقابتی در آسیای مرکزی و قفقاز»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تاریخ استخراج: ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۷، www.csr.ir
۴۲. یزدانی، عنایت‌الله؛ مسعودی، نجمه؛ دالوند، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۸، شماره ۷۹، صص ۱۶۶-۱۳۹.

منابع انگلیسی:

43. Akaev, Askar; Pantin, Vladimir (2018), Central Asia as the economic and geopolitical tension nexus: Some implications for the world futures, *The Journal of New Paradigm Research*, Volume 74.
44. Al- Nouimat, Abdalla Moh'd Dyab; Jakubayeva S., Zhekenov D., Azimov A. (2019), Geopolitical interest of Iran in Central Asia, *Al- Farabi Kazakh National University*, №3 (87).
45. Botobekov, Uran (2019), *Unjustified Hope of Iran's Central Asia Policy*, www.moderndiplomacy.eu.
46. Bolonina, Aleksanra (2019), Security Dimension of China's Presence in Central Asia, *IRIS, Asia Focus#108 – Asia Programme*.
47. Basiri, Mohammadali and Izady Zmanabady, Mozghan (2004), United States foreign policy goals in Central Asia, *Central Asia and Caucasus studies Quarterly*, No. 48, Tehran.
48. Wastnidge, Edward (2017), Central Asia in the Iranian geopolitical imagination, *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 1: #1YRJ04.
49. Rumer, Eugene. Sokolsky, Richard. Stronski, Paul. (2016). U.S. Policy toward Central Asia, *Carnegie Endowment for International Peace*.
50. Russell, Martin (2019), The EU's new Central Asia strategy, *European Parliamentary Research Service*, PE 633.162.
51. Tiliouine, Habib, Estes, Richard J., (April 2016), *Central The State of Social Progress of Islamic Societies*, Springer International Publishing AG, Part of Springer Science.
52. Muni, S. D. Chadha, Vivek, (2016), *Asian Strategic Review 2016*, Institute for Defence Studies and Analyses, New Delhi, Pentagon Press, First Published.
53. Sahai, Dhananjay (2019), *Russian Far East and Central Asia: Impediments to Sino-Russian Partnership*, ORF Issue Brief No. 280, Observer Research Foundation.
54. Salar, M & Salar, O. (2014), Determining pros and Cons of franchising by using SWOT analysis, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 122, 515 – 519.
55. Kothari, Raj Kumar (2018), India's Strategic Interests in Central Asia in the Post-Soviet Years: Expanding Vistas of Partnership, *Asian Journal of Political Science* 4 (No. 1).
56. Kulnazarov, Rustem (2015), New Geopolitical Role of Central Asia within Foreign Policy Interests of World Powers, *Asian Social Science*; Vol. 11, No. 12.
57. Javaid, Faisal; Dashti, Asghar Ali (2016), Relations between Pakistan and Central Asian Republics: An analysis, *Ma'arif Research Journal*.
58. P. Kilybayeva, A. Ibrayeva, M. Mametay (2018), the EU Strategy for Central Asia– 2019: Goals, Challenges and Prospects, *Concorde*, N 5.